**بسمه تعالی**

**مطالبی پراکنده در خصوص قیام 15 خرداد**

این كه، چه عواملی در پیروزی انقلاب اسلامی و واژگونی رژیم 2500 ساله ی شاهنشاهی، نقش اصلی و اساسی داشته اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از سال 1341 كه نهضت مقدس امام خمینی قدس سره آغاز شد، تا سال 1357 كه این نهضت به ثمر رسید با ظهور انقلابی بی نظیر كه ثمره ی آن تحقق نظام جمهوری اسلامی بود، همواره تنی چند از عالمان مجاهد، با یاری مردم فقیر و زجر كشیده، خود را به آتش و خون زدند و با تحمل سختی های بسیار مبارزه را تا پیروزی نهایی ادامه دادند.

در طی این سال ها، ضمن نبردِ نابرابر ایمان و كفر، منادیان حق و حقیقت دینی، با الگو قرار دادن مبارزات صدر اسلام، و با جدّیت وصف ناپذیر، نهضت مقدس امام خمینی« قدس سره» را استمرار بخشیدند و روحیه ی سلطنت ستیزی را تقویت كردند و در هر مناسبتی با نام رهبر تبعیدی خود حركت انقلابی جمعیت های تظاهر كننده را پرشتاب و با توان ساختند.

قیام 15 خرداد نقطه ی عطفی در تاریخ مبارزات ملت قهرمان ایران است، كه رهبری داهیانه ی امام خمینی« قدس سره» و یاری روحانیان انقلابی  در تداوم آن، طی یك دوره ی پانزده ساله، نقش اساسی داشته است. و در همه ی آن سال ها سال روز 15 خرداد هیچ گاه در سكوت و خاموشی سپری نشد؛ زیرا كه 15 خرداد برای امت قهرمان و شهید پرور ایران، از اهمیت و اعتبار ویژه ای برخوردار بوده و خواهد بود.

15 خرداد، روز قیام خونین مردم جان بركفی بود كه، به نام اسلام و برای اسلام به میدان آمدند و علیه نظام ستمشاهی شوریدند. 15 خرداد روز آغاز نهضت مقدس اسلامی، روز عصیان علیه طاغوت و طاغوتیان و روزی بود كه ملت ایران زیر بیرق اسلام گرد آمد و برای مقابله با دشمنان اسلام و قرآن وارد صحنه شد و پشت رژیم ستمشاهی را به لرزه انداخت.

در سحرگاه 15 خرداد سال 1342، دژخیمان رژیم ستمشاهی به خانه ی امام در قم یورش بردند و امام خمینی« قدس سره» را كه سه روز پیش از آن، به مناسبت عاشورای حسینی در مدرسه ی فیضیه، طی سخنان كوبنده ای پرده از جنایات شاه و اربابان امریكایی و اسراییلی او برداشته بود، دستگیر و دور از چشم مردم به زندانی در تهران منتقل كردند.

قیام پانزده خرداد، نهضتی بود برخاسته از متن مردم و سربرآورده از غیرت دینی آنها و بدون هیچ برنامه ریزی قبلی.

حسین فردوست ارتشبد سابق شاه در این مورد می گوید: «درباره تظاهرات وسیع پانزده خرداد، حتی تاشب قبل از آن، ادراه کل سوم و شهربانی هیچ اطلاعی نداشت و هیچ گزارشی به دفتر نفرستاد. طبعا اگر حرکت فوق با آن وسعت، یک حرکت برنامه ریزی شده و سازمان یافته بود، باید اطلاعی به دفتر می رسید و برای مقابله تدارکاتی انجام می شد. ولی از آنجا که این حرکت، یک حرکت مردمی و طبعا فاقد برنامه ریزی قبلی بود، ساواک به کلی غافلگیر شد و محمدرضا شدیدا به وحشت افتاد

**شب پانزدهم خرداد**

عمود سیاه چادر شب پانزدهم خرداد هنوز پا بر جا بود که دژخیمان دون به قصد ربودن امام، به منزل ایشان در قم حمله کردند. راهزنان شب پرست تمامی منزل را برای پیدا کردن امام(ره) جستجو کردند، اما هر چه بیشتر گشتند کمتر یافتند. وقتی از یافتن روح اللّه ناامید شدند، شروع به اذیت و آزار خدمتکاران کردند.

امام که آن شب در منزل آقا مصطفی ـ که مقابل منزلشان قرار داشت ـ به سر می برد با شنیدن ضجه و ناله خدمتکاران از منزل بیرون آمد و بانگ برآورد روح اللّه خمینی منم. چرا این بیچاره ها را کتک می زنید؟ طنین این صدا مزدوران را متوجه امام کرده، آنها بی شرمانه به ایشان هجوم آوردند و روح خدا را از کالبد امت جدا کرده، با خود بردند.

**پانزده خرداد در کلام امام خمینی(ره)**

قیام پانزده خرداد اسطوره قدرت ستم شاهی را در هم شکست و افسانه ها و افسون ها را باطل کرد. شهادت جوانان رشید و زنان و مردان در آن روز، سد عظیم قدرت شیطانی را از بنیان سست کرد. خون سلحشوران کوخ نشین، کاخ های ستم را درهم کوبید. ملت عظیم الشأن با قیام و نثار خون فرزندان عزیز خویش، راه قیام را برای نسل های آینده گشود و ناشدنی ها را شدنی کرد.

**زنده نگهداشتن پانزده خرداد**

زنده نگهداشتن یاد و خاطره پانزده خرداد وظیفه ای است همگانی و بر عهده تک تک افراد جامعه اسلامی. امام امت در این باره فرمودند: «پانزده خرداد باید زنده بماند. این جنایتی است که آثارش باید محو نشود.» «ملت ایران نباید پانزده خرداد را از یاد ببرند. مصیبت جانسوز 12 محرم و 15 خرداد باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا، زنده و جاویدبماند».

**پانزده خرداد طلیعه نهضت**

پانزده خرداد طلیعه نهضت اسلامی، آغاز آفرینش شعور سیاسی، ابتدای شکسته شدن سکوت مرگبار چندین ساله و شروع خروش امت مسلمان به رهبری روحانیت مبارز و راستین است.

**کوبندگی حادثه پانزده خرداد**

دژخیمان شاه در پانزده خرداد، خرد و کلان، مرد و زن و پیر و جوان را آماج حمله قهرآمیز و ددمنشانه خود قرار دادند. این حادثه قلب هر صاحب دلی را به درد آورد و اشک هر صاحب بصیرتی را روان کرد. در این میان، امام امت، آن پیر محبت، بیش از همه سنگینی این فاجعه را بر دوش سترگ خود احساس کرد.

**همراهی آیات عظام با حضرت امام**

همراهی و همگامی و پشتیبانی آیات عظام از حضرت امام در فاجعه پانزده خرداد از نکات در خور توجه این واقعه است.در اعلامیه مشترکی که چند تن از آیات عظام، در اعلام انزجار از این حادثه، صادر کردند آمده است: «ما از واقعه دوازدهم محرم، (یعنی پانزده خرداد) خجلت می کشیم. واقعه شوم پانزده خرداد و مدارس علمیه فیضیه و غیر آن، پشت ما و هر مسلمان غیرتمند را می شکند... ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی کند. ما روز دوازدهم محرم [15 خرداد] را عزای ملی اعلام می کنیم».

**بانوان مسلمان وقیام پانزده خرداد**

در روز پانزده خرداد، در پی انتشار خبر دستگیری حضرت امام(ره) صدها تن ازبانوان مسلمان، چادر به سر، فرزند بر دوش و فریاد خمینی خمینی بر لب، همچون سیلی خروشان به خیابان ها ریختند تابنیادسستِ فرومایگان را، که بر برق شمشیرها استوار بود، درهم کوبند وبرگ زرین دیگری بر دفتر افتخارات زن مسلمان ایرانی بیفزایند.

**پانزده خرداد سرفصل نهضت**

در نیمه خرداد سرفصل نوین نهضت جسورمردانِ جان بر کف مشخص شد و نقطه نمایان نامردمی و خیانت ـ که همانا شخص شاه بود ـ مورد حمله قرار گرفت.

**حمله مزدوران شاه به مردم**

مزدوران شاه در روز پانزدهم خرداد با حمله وحشیانه به صفوف فشرده تظاهرکنندگان، هزاران تن از شیر زنان خروشان و آزاد مردان پرتوان را به خاک و خون غلطاندند و فریاد در آمیخته با آتش و دود و خون آنان و صدای فائق آمده برغرش مهیب تانک ها و زوزه مسلسل ها را به خیال خام خویش در گلو خفه کردند، و حرارت حیات را ازاین چراغ الهی گرفتند؛ غافل از آنکه خداوند پشتیبان این نهضت وامت و برافروزنده این چراغ هدایت و یاور رهبر بلندهمت آنان است

|  |  |
| --- | --- |
| چراغی را که ایزد برفروزد | هر آن کس پف کند ریشش بسوزد |

**جوانان و پانزده خرداد**

در پانزده خرداد همچون سایر صحنه های انقلاب جوانان همدوش اقشار مختلف به قیام واعتراض دست زندند. در قم زمانی که یک کامیون نظامی می کوشید میان جمعیت تظاهر کنندگان رفته، با چرخ های سنگین خود مردم را به خاک و خون بکشد، مورد حمله مردم دلیر و قهرمان قرار گرفت. جوانی پرشور با حمله ای برق آسا خود را به راننده کامیون رسانده، او را از پشت فرمان ماشین پایین کشید. اقدام متهورانه این جوان دلیر، روحیه تازه ای به تظاهرکنندگان بخشید و آنها را بر ادامه تظاهرات مصمم تر کرد.

**پانزده خرداد، افشاندن بذر انقلاب**

حادثه پانزدهم خرداد بذری بود که به دست باغبان پیر انقلاب در سرزمین مستعد جان های مردم افشانده شد، و در طول پانزده سال بهترین عزیزان وطن با خون خود آن را آبیاری کردند تا سرانجام در بهمن 57 همچون نهالی نورس به شکوفه نشست. اکنون ماییم که وارث آن نهالیم و وظیفه سنگین محافظت و پیراستن و آراستن این شجره طیبه را به عهده داریم.

**محو آثار جنایت پانزده خرداد از سوی شاه**

رژیم شاه پس از فاجعه پانزده خرداد در صدد محو کردن آثار جنایتش برآمد. یکی از شاهدان حادثه می گوید: پس از قطع شدن صدای گلوله ها، تنها ناله مجروحان و غرش تانک ها و صدای چکمه سربازان به گوش می رسید. دیری نپایید که کامیونی سرِ کوچه ای که ما در یکی از خانه های آن پناه گرفته بودیم، متوقف شد و چند نفر شتابزده از آن پیاده شده، به داخل کوچه آمدند و اجساد کشتگان و پیکرهای مجروحان را داخل کامیون ریخته به مکان نامعلومی بردند. سپس ماشین های آتش نشانی سررسیدند و

سراسرخیابان ها و کوچه ها را شستند و از خون پاک کردند.

**مردمی بودن نضهت 15 خرداد**

قیام پانزده خرداد، نهضتی بود برخاسته از متن مردم و سربرآورده از غیرت دینی آنها و بدون هیچ برنامه ریزی قبلی.

حسین فردوست ارتشبد سابق شاه در این مورد می گوید: «درباره تظاهرات وسیع پانزده خرداد، حتی تاشب قبل از آن، ادراه کل سوم و شهربانی هیچ اطلاعی نداشت و هیچ گزارشی به دفتر نفرستاد. طبعا اگر حرکت فوق با آن وسعت، یک حرکت برنامه ریزی شده و سازمان یافته بود، باید اطلاعی به دفتر می رسید و برای مقابله تدارکاتی انجام می شد. ولی از آنجا که این حرکت، یک حرکت مردمی و طبعا فاقد برنامه ریزی قبلی بود، ساواک به کلی غافلگیر شد و محمدرضا شدیدا به وحشت افتاد.

**غم خرداد**

افق امروز ملال انگیز است.

می خراشد رخ و خون می ریزد.

در غم پانزده خرداد است.

تا ابد ننگ از این حادثه برمی خیزد.

نرود هیچ ز یاد

خون زند جوش هنوز

در تن پاک شهیدان غیور

خون آن مردم آزاد نیفتد از جوش

آری این شعله نگردد خاموش

هرگز آرام نگیرد این موج

تاز بن برنکند ریشه بیداد سیاه

به امید آن روز.

محمدحسین بهجتی

**فجیع ترین کشتار پانزده خرداد**

فجیع ترین کشتار روز پانزدهم خرداد، قتل عام دهقانان به پا خاسته ورامین بود. دهقانان ورامین با شنیدن خبر دستگیری قائد عظیم الشأنشان کفن بر تن کردند و با پای پیاده وبه منظور پشتیبانی از امامشان راهی تهران شدند که در سر پل «باقرآباد» کامیون های نظامی شاه راه را بر آنها سد کردند. از آنها خواستند که بازگردند اما این دلیرمردان با فریاد: «یا مرگ یا خمینی» به سوی کامیون ها هجوم بردند. خود فروختگان شاه آنها را به رگبار مسلسل بسته، کفن هایشان را به خون آغشتند و چرخ سنگین تانک ها گوشت و استخوانشان را در هم کوبید، به طوری که شناسایی اجساد حتی برای بستگان نزدیکشان هم دشواربود.